

گفت‌وگو با مدیر امور بانوان سازمان بسیج هنرمندان پیرامون استفاده از ظرفیت هنر برای تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی

مخاطب عام ما را به معابر و اماکن عمومی کشاند

شبکه‌سازی از بانوان هنرمند برای حل مسائل بانوان

ایزار هنر به شدت قدرتمند و اثرگذار است و می‌تواند برای ترویج فرهنگ و باورها در اختیار افراد و حاکمیت‌ها قرار گیرد. هالیوود به عنوان بازوی رسانه‌های دنیای غرب برای جهانی‌سازی و ترویج و غلبه فرهنگ غربی و امریکایی در دنیا شناخته می‌شود و در این مسیر توانسته به یکی از اثرگذارترین ابزار دنیای غرب و نفوذ فرهنگی در جهان تبدیل شود. ما هم به لحاظ هنری و به لحاظ فرهنگ و ادبیات قوی ظرفیت گسترده‌ای برای تعمیق باورها، پاسخگویی به شبهات و ترویج نظام‌های ارزشی خودمان داریم، اما غفلت از این ظرفیت عظیم موجب شده است در میدان عرضه فرهنگ‌ها و ارزش‌ها گامی وقت‌با به فرهنگ غربی بیازیم و در برابر آن کوتاه بیاییم. در این میان اما همچنان هستند هنرمندان متعددی که به اندازه بضاعت در وادی مقوله‌های فرهنگی و هنری ورود کرده‌اند و کارشان اثرگذار بوده است. «گذر هنر» نمایش‌های خیابانی است که سازمان بسیج هنرمندان در معابر و اماکن عمومی در سراسر کشور برگزار کرده و بازخوردهای خوبی گرفته است. زینب احمدی، مدیر امور بانوان سازمان بسیج هنرمندان در این باره بیشتر برای اسان می‌گوید.

چندی است در برخی معابر در شهرها و استان‌های مختلف شاهد برپایی نمایش‌هایی با موضوعات فرهنگی و ارزشی هستیم؛ برنامه‌ای که تحت عنوان گذر هنر اجرائی می‌شود. درباره برنامه گذر هنر توضیح می‌دهید.

رویداد گذر هنر از هشتم تا اواخر تیر ماه برگزار شد و همچنان در حال برگزاری آن هستیم. قالب این رویداد نمایش‌های خیابانی با رویکرد و موضوعات فرهنگی و اجتماعی با تأکید بر مقوله هویت فرهنگی و اجتماعی است چراکه این هویت فرهنگی و اجتماعی بن‌مایه بسیاری از مسائل و موضوعات دیگر است. برای برپایی این رویداد، استان‌ها فراخوان شدند و استقبال بسیار خوبی شد. تقریباً همه استان‌ها پای کار آمدند و با وجود بودجه ناچیز به صورت خودجوش حدود ۳۰۰ اجرای نمایش داشتیم که عده قابل توجهی است و از همه استان‌ها جای تقدیر دارد. تعدادی نمایشنامه هم با موضوعات هویت، حیا و موضوعات خانوادگی در اختیار استان‌ها قرار گرفت. برخی استان‌ها هم خودشان نمایشنامه‌هایی را به برنامه اضافه کردند و با توجه به زمان کم بحمدالله به صورت جهادی وارد کار شدند و بعد از انجام تمرینات کار را روی صحنه آوردند. برخی استان‌ها ظرفیت اجرای بسیار خوب و بالایی داشتند مثل استان اصفهان که بیش از ۱۵۰ اجرا داشت. استان‌های دیگر مثل فارس و مازندران هم ظرفیت‌های بسیار خوبی در اجرا داشتند. ما حتی در روستاها هم اجرا داشتیم.

محله اجرای این نمایش‌ها کجا بود؟

معابر، پاساژها و اماکن عمومی مثل سواحل دریا برای اجرای این نمایش‌ها انتخاب شده بود. در واقع اینها اماکنی بود که بیشترین مخاطب را داشت. گزارشاتی هم که از استان‌ها رسید ما حتی از استقبال خوب مخاطبان است و می‌تلبید برای نمایش‌های بعدی جواب بیشتری را در نظر بگیریم و از ظرفیت به وجود آمده استفاده کنیم.

آیا شما بر مبنای مخاطب‌شناسی

نمایش‌های تان را پیش می‌برید و مخاطب‌های تان را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنید؟

بیشترین مخاطب ما را خانم‌ها تشکیل می‌داند و بر اساس محتوای نمایش‌ها هم بیشتر خانم‌ها مورد خطاب نمایش‌های ما بودند و رده سنی مخاطبان ما هم غالباً جوان بود. بنابراین کار ما هم بر همین

بنا است که ما هم بر همین مینا هاشمی‌مرزعه

گفت‌وگو
زهرا چیدری



بود و انتظار مان این بود مخاطب در قشر عام قرار بگیرد. آنچه مدنظر ما بود بیشتر هدف قرار دادن اقشار عام و خاستگی بود چراکه آسیب‌دیده‌ترین اقشار ما در موضوع عفاف و حجاب در همین قشر هستند، بنابراین ما این قشر را به عنوان مخاطب هدف‌مان انتخاب کرده بودیم و تأکیدمان این بود در

کنند که تعداد بیشتری از این اقشار در آنجا تجمع داشتند و با این هدف شروع کردیم، البته می‌توانیم مخاطبان دیگری را هم در نظر بگیریم، مثلاً به مدارس و دانشگاه‌ها و اماکن دیگر برویم و نمایش‌هایی را متناسب با قشر مخاطب برگزار کنیم اما نقطه شروع‌مان این بود که دسترس‌ترین مکان‌ها برای اقشار عمومی جامعه را در نظر بگیریم که همان معابر عمومی و عادی‌ترین تپین مخاطبان هدف اصلی نمایش‌های ما بودند. پس با وجود آنکه موضوعات نمایش‌های شما فرهنگی و ارزشی بودند مخاطب اصلی شما اقشار متدین نبود؟

ما به دنبال مخاطب قرار دادن اقشار متدین نبودیم. شاید تاکنون مخاطبان قشر اقشار خاصی از جامعه متدینین بودند اما در این رویداد سعی کردیم اصلاً در تبلیغات‌مان تاحد امکان به صورت مستقیم از حجاب و عفاف و بسیج عنوانی نیاریم و کار را کاملاً مردمی و بی‌طرفانه استفاده کردیم. یکی از نمایشنامه‌نویسان ما داوود نمایش‌های خیابانی تئاتر فجر سال گذشته بود. از این دوستان خواستیم نگارش نمایشنامه به نحوی باشد که اشاره مستقیم به موضوع نداشته باشد و در عین حال نقطه هدف را هم در نظر بگیرد. در نگارش کار ما دو قسم نمایشنامه را در نظر گرفتیم: یک‌قسم کار طنز و یکی جدی. پردازش اصل نمایشنامه‌ها را هم به خود استان‌ها واگذار کردیم. به جز یکی دو کار که دیالوگ‌های کامل داشت. با توجه به اینکه اقلیم و گویش و فرهنگ هر استان متفاوت است، پردازش نهایی کار را به خود استان‌ها واگذار کردیم. در واقع ما فقط طرح کلی را به استان‌ها پیشنهاد دادیم و آنها خودشان دیالوگ‌ها و موضوع داستان را استخراج کردند. اتفاقاً کار خیلی جالبی هم از آب درآمد. چون استان‌ها فرهنگ‌های متفاوتی داشتند، دیالوگ‌ها با توجه به فرهنگ هر استان انتخاب شده بود و برای مخاطب آن استان جذابیت بیشتری داشت. ما با وجود اینکه در این زمان



تعدادی از گروه‌های نمایشی از مخاطبان‌شان

مصحبه داشتند و این مصاحبه‌ها بعد از پایان نمایش تماشاگران صورت می‌گرفت. همچنین از عکس‌العمل ما پا به آمدن مخاطبان هم می‌شد استقبال مخاطبان را متوجه شد. مثلاً ما نمایش‌هایی داشتیم که تئاتر کاربردی و تعاملی بود. من خودم مخاطب یکی از این نمایش‌ها در محوطه شورایی تئاتر شهر بودم و می‌دیدم که مخاطب چطور از ابتدا تا انتهای کار پا به پای بازیگران جلو می‌آمد و وارد بازی می‌شد. این

استفاده از ظرفیت تئاتر برای حل مسائل فرهنگی باید بیشتر از این مورد توجه قرار بگیرد، چون تئاتر علاوه بر اینکه یکسری از هنرها را در دل خودش دارد و برای مخاطب کاملاً جذاب است، از تباطی چهره‌به‌چهره و حضوری هم با مخاطب برقرار و با خودش همراه می‌کند

استفاده از ظرفیت تئاتر برای حل مسائل فرهنگی باید بیشتر از این مورد توجه قرار بگیرد، چون تئاتر علاوه بر اینکه یکسری از هنرها را در دل خودش دارد و برای مخاطب کاملاً جذاب است، از تباطی چهره‌به‌چهره و حضوری هم با مخاطب برقرار و با خودش همراه می‌کند

محدود کارمان را انجام دادیم، باز خورد خوبی داشتیم. طبیعتاً برای رویدادهای بعدی کار گروه تأمین محتوا و جلسات قبل از رویداد را قوی‌تر برگزار می‌کنیم تا نتیجه بهتری هم بگیریم.

آیا بنادارید رویداد ادامه‌دار باشد؟

ان‌شاءالله، برای اینکه بخواهیم کار را ادامه دهیم، پیشنهاداتی از برخی نهادهای فرهنگی داشتیم. نیروی انسانی که در بسیج حضور دارد، ظرفیت بسیار خوبی است و خیلی از نهادها شاید این ظرفیت عظیم را نداشته باشند. برای اینکه ما بتوانیم با برخی نهادهای برای پخته‌تر کردن کار تعاملاتی داشته باشیم و از استادان این حوزه برای آموزش بهتر گروه‌های اجرایی و پردازش کار استفاده کنیم، صحبت‌هایی شده است. اگر بخواهد رویداد بعدی اتفاق بیفتد، ما از کمک نهادهای دیگر هم استفاده خواهیم کرد.

برای اجرای نمایش‌ها از چه گروه‌هایی استفاده می‌کردید؟

کار اجرای نمایش‌ها تماماً به عهده هنرمندان بسیجی بود که در ظرفیت خود بسیج هنرمندان در کانون‌های بسیج هنرمندان چه در روستاها و چه در شهرها وجود دارد. ما تماماً از نیروهای بسیجی استفاده کردیم. اگر برای تکمیل بحث نکته‌های دارید، بفرمایید.

به نظر من استفاده از ظرفیت تئاتر برای حل مسائل فرهنگی باید بیش از این مورد توجه قرار بگیرد، چون تئاتر علاوه بر اینکه یکسری از هنرها را در دل خودش دارد و برای مخاطب کاملاً جذاب است، از تباطی چهره به چهره و حضوری هم با مخاطب برقرار و مخاطب را با خودش همراه می‌کند. ما تصمیم داریم از این ظرفیت برای حل مسائل فرهنگی بیشتر استفاده کنیم و برای حل مسائل فرهنگی به آن قوت بهتری بدهیم.

شما از چند جنبه کار از زشمندی انجام می‌دهید، هم بحث تعمیق باورها و ارزش‌ها و هم به کارگیری بچه‌های هنرمندی که ظرفیت کار در تئاتر را دارند. در حال حاضر سا دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های تئاتر و موسیقی را داریم که بعد از آموزش بچه‌ها را هم می‌کنند، اما به کارگیری این بچه‌ها می‌تواند موجب شود هم آنها وارد جریان حرفه‌ای کار شوند و هم ما به اهدافمان برسیم. برنامه‌ها شما برای دنباله‌دار کردن این روند چیست؟

در موضوع تئاتر می‌خواهیم این رویداد را با موضوعات متفاوت ادامه دهیم، اما در کنار هنرها هم در بحث هنرهای تجسمی هم تصمیم داریم از مباحث بنیادی شروع کنیم و گروه‌های هنری شناسایی شود. شبکه‌سازی بانوان هنرمند بسیجی را هم شروع کرده‌ایم. بیشترین مسائل ما در حوزه زنان و خانواده شکل می‌گیرد. همچنین در بسیج هنرمندان هم بیشترین ظرفیت ما خانم‌ها هستند و بیشترین مخاطبان ما هم خانم‌ها هستند و طبیعتاً باید برای این مخاطب خودمان تدابیر ویژه‌ای داشته باشیم. ما به این منظور از شبکه‌سازی تخصصی بانوان هنرمند استفاده کردیم تا از خود خانم‌ها برای حل مسائل خودشان استفاده کنیم.

کوتاه است و با این شرایط اقتصادی که اکثر طبقات جامعه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، حتی بسیاری از آقایان نیز برخلاف میل باطنی قبول می‌کنند از این نوع پوشش برای همسران و دختران خود استفاده کنند.

اگر مسئولان کشور فکری برای این موضوع کنند، مشکلات تا حدودی برطرف می‌شود و تعداد بسیار بیشتری از مردم نیز از این دوگانگی فرهنگی خلاصی پیدا می‌کنند، البته در این چند سال اخیر متأسفانه افراط و تفریط‌های زیادی صورت گرفته و حجم فرهنگی و عدم‌رسیدگی به موضوعات حجاب و عفاف باعث شده است پوشش لباس به سمت تمایلات شخصی که خارج از عرف و دین است، کشیده شود. حلاله که کنترل این موضوع سخت‌تر شده است، متأسفانه در سطح شهر شاهد تعدادی از تابلوها و بیلبورد‌های تبلیغاتی هستیم که نوشاد را پس از مرگ سهراب است.

از همه بدتر شوربختانه پوشش سبلیتی‌هاست و اینکه نسل جوان و نوجوان ما تقلیدی کورگورانه از پوشش آنان دارند و رسانه‌های تصویری نیز به این موضوع دامن می‌زنند و هیچ نظارت درست و اصولی نیز در مورد تولیدات سیما صورت نمی‌گیرد که این موضوع نیز تمکی بر زخم مشکلات این حوزه می‌باشد. مسئولان دلسوز کشور هر چه سریع‌تر این موارد را مدنظر داشته باشند و فکری عاجل در این مورد کنند.



ویرترین

نقش زنان

در نهضت امام حسین (ع)

کتاب زنان عاشورایی؛ نقش زنان در نهضت امام حسین (ع) (از عاشورا تا سقوط امویان)، اثری از زهره یزدان‌پناه‌فردتپه است که به بانوان گرمای، شجاع و متخلق به اخلاق علوی و حسینی می‌پردازد.

این کتاب بیاسی تاریخی، روایی از واقعه عاشوراست که با رویکردی خاص به آن نگر بسته است. شاید در مقاتل و کتاب‌های مختلف، درباره سید شهیدان، امام حسین (ع) و یاران ایشان و نحوه شهادت ایشان خوانده‌اید ولی در پشت میدان کربلا و در جایی که با نام «خیمه‌ها» از آن یاد می‌کنیم، زانی بودند که شاید بدون آنها، نخل کربلا به ثمر نمی‌رسید. این پرورش یافتگان مکتب کربلا، بنای عهدی را استوار ساختند که تندبادهای حوادث روزگار و فراز و نشیب‌های تاریخ قادر به رخنه در آن نیست، از همین رو این نام خویش را با حضور در خیل عاشوراییان جاودانه کردند و دیگران پس از خود را نیز متذکر این معنا نمودند که برای جاودانگی و نیک‌سرانجامی راهی جز بودن در خیل عاشوراییان و ماندن در میان آنان تا آخرین لحظه از حیات نیست.

اینان به ما ما آموختند که دوستی اهل بیت (ع) رمز ماندگاری است و پرورش نسل عاشورایی تکلیفی است که اگر بر زمین بماند، نیکبختی و اقبال از بشر روی برمی‌گرداند، چنان‌که خود از معلم بزرگ دشت کربلا، حسین بن علی (ع) آموخته بودند عاشق صادق پاکبخت‌های است که در همه هستی جز حضرت دوست و تمنای او هیچ نمی‌شاسد.

حسین (ع) نشان داده بود کسی را دوست می‌دارد که می‌آرد تا بالادایمان برای او در میانه میدان کربلا ماند و جنگید. چنان‌که این مرد غامد، جنگید و به تمامی مفسر معنی عشق عبودیت و آزادگی شد.

عبدالله بن الحسن از مادرش فاطمه بنت حسین (ع) روایت می‌کند که گفت: غارتگران به خیمه ما آمدند، آنگاه که من دختر بخیمای بودم و خلخال از طلا به داشتم، مردی خلخال را از پایم درآورد و گریه می‌کرد. گفتم: ای دشمن خدا چرا گریه می‌کنی؟ گفت: چرا گریه نکنم در حالی که دختر رسول خدا (ص) را غارت می‌کنم. گفتم: غارت نکن. گفتم: می‌تسم اگر من غارت تمام (امام) یکی از سواران سپاه عمر سعد به طرف او فاطمه گوید: همه چیز را به غارت بردند، حتی پارچه‌های سر ما را بردند.

در حیاة الحسین (ع) آمده است: پس از شهادت امام حسین (ع) سپاه کوفه، به خیمه‌ها حمله کردند، ضمن به آتش کشیدن آنها، هر چه در خیمه‌ها بود غارت کردند و از گوش‌ها و پاهای اطفال گوشواره و خلخال بیرون آوردند. از فاطمه صغری دختر امام حسین (ع) نقل شده است که پس از شهادت امام (س) یکی از سواران سپاه عمر سعد به طرف او که جلوی یکی از خیمه‌ها ایستاده بود، حمله‌ور می‌شود و با نیزه به او ضربتی می‌زند که بر زمین می‌خورد. آنگاه گوشواره از گوشش می‌کند و خون جاری می‌شود.

در بخشی از کتاب زنان عاشورایی می‌خوانید: ام‌کلثوم صغری دختر امیرالمؤمنین (ع) و مادرش ام‌ولید بوده است. مسعودی و ابن‌اتیر، ام‌کلثوم را در زمره اولاد علی (ع) معرفی کرده‌اند، اما مادرش فاطمه (س) نیست.

به گفته ابن‌حزم، زینب کبری (س) و ام‌کلثوم کبری (س) از جمله فرزندان علی (ع) و فاطمه (س) هستند، گرچه زینب صغری و ام‌کلثوم صغری را نیز از مادرشان ام‌ولید بوده معرفی کرده است. محسن‌الامین تعداد دختران علی (ع) که لقب ام‌کلثوم داشته‌اند را چهار تن ذکر کرده است: ۱. همسر مسلم‌بن عقیل ۲. همسر عبدالله اصغر بن عقیل ۳. همسر عمر بن خطاب ۴. همسر عبدالله بن جعفر. بر اساس گفته «زبیر بن عکرم» نسب‌شناس مشهور عرب، زینب کبری (س) که به همسری عبدالله بن جعفر در آمد و ام‌کلثوم کبری که همسر عمر بن خطاب شد، هر دو از فاطمه زهر (س) بوده‌اند. وی دختران معروف دیگر علی (ع) از غیر فاطمه (س) را چنین نام برده است: رقیه دختر صهابه که همسر مسلم‌بن عقیل گشت، زینب‌صغری سه از دواج محمد بن عقیل در آمد و ام‌کلثوم صغری که نامش نفیسه بود به همسری عبدالله اکبر بن عقیل انتخاب شد.

مسما مقانی در تقیح المقال می‌نویسد: «رقیه دختر امیرالمؤمنین (ع) همسر مسلم‌بن عقیل و مادر عبدالله محمد بوده است. دو پسرش در تینوا شهید شدند و این بانو با اسیران به شام رفت و مصیبت‌ها به چشم دید. مادر رقیه صهابه ثعلبیه (صهابه ام‌حبیب دختر عبید بن ربیع الثعلبیه) است. گفته شده است که صهابه از اسیران پیامه یا عین التمر بود که امیرالمؤمنین (ع) او را خریداری کرده است. صهابه از امیرالمؤمنین صاحب دو فرزند به نام عمر الاطرف و رقیه شد. بعضی معتقدند ام‌کلثوم که دختر حضرت فاطمه (س) بوده است، در زمان امام محتبی (ع) از دنیا رفت. این بانو که نامش در حادثه کربلا مطرح است، یکی دیگر از همسران امیرالمؤمنین (ع) است، لذا به نظر می‌رسد ام‌کلثوم حاضر در واقعه کربلا همان زوجه مسلم بن عقیل است که به دنبال همسر و برادر بزرگوارش اباعبدالله‌الحسین (ع) راهی کربلا شد.»